

متن پرسش

سلام استاد: امیدوارم که حالتان خوب باشد. می‌خواستم راجع به موضوعی با شما مشورت کنم. من در خانواده مذهبی که باید اعتراف کنم که گاهی رفتار هایمان افراطی است بزرگ شده ام سعی کرده ام به مبانی مذهبی دینم پایبند باشم البته از جایی به بعد واقعا خودم دوست داشتم که این گونه باشم اما استاد به عنوان یک دختر چادری که رهبر را قبول دارد چادر و اعتقاداتم سوال های زیادی را برای دوستانم در دانشگاه ایجاد می‌کند. من هیچ وقت نمی‌توانم به سوال های آن ها جواب قانع کننده ای بدهم در بحث ها مخصوصا بحث های سیاسی که جالب است غالبا خودشان شروع کننده آن اند یک جواب هایی را می‌دهم اما بعد که فکر می‌کنم جواب های بهتری را می‌یابم که دیگر دیر است از این که حضور ذهنم این قدر پایین است ناراحتم و یکی دیگر از ناراحتی هایم اینست که گاهی بی اختیار با حالت تندى جبهه می‌گیرم. آخر خیلی سخت است که آدم بداند چیزی درست است اما نتواند بیان کند. مثالش بحث موسیقی است. این موضوع برای خودم قابل درک است که موسیقی انسان را به اوهام می‌برد و ۲ سال پیش خدا به من نشان داد وهم جهنم دره ایست که تمامی ندارد هرچند هنوز هم از وهم خارج نشده ام و تلاش های منقطع می‌کنم اما این را چگونه به آن ها بگویم که معتقدند گاهی لازم است انسان با موسیقی به خیال برود چهارشنبه ی این هفته کرسی آزاد اندیشی برای موسیقی داریم ۲ نفر موافق ۲ نفر مخالف. استاد کمک کنید که وظیه خودم را تا حد توان انجام دهم چه گونه موضوع را مطرح کنم و چه مطالعاتی انجام دهم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان‌طور که فقهای بزرگ می‌فرمایند، حرمت موسیقی، محتوایی است یعنی به خودی خود حرمت ندارد، می‌ماند که آیا یک کار لغو هست یا نه. و مؤمن باید «عن اللغو» معرض باشد یا نه. برای کسی که بیشتر در موطن خیالات با دین ارتباط دارد موسیقی در آن فضا می‌تواند تحرک‌زای همان حالات باشد. ولی برای کسی که نظر به حقایق غیر خیالی دارد، حجاب محسوب می‌شود و در این رابطه است که امامان نظری به موسیقی ندارند هرچند برای مردم عادی آن را نفی ننموده‌اند. توحیدی که امثال حضرت امام و محی‌الدین مدّ نظر دارند، نیاز به هیچ‌گونه موسیقی ندارد ولی نمی‌توان آن نوع موسیقی که مولوی مدّ نظر دارد را، کاری غیر توحیدی دانست. موفق باشید